

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوان و دوران بلوغ

دوره سیزدهم، شماره سوم

نام جزوه: جوان و دوران بلوغ
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

۵.....	دیدگاه واقع بینانه
۱۱.....	اوقات فراغت
۱۷.....	نظم در جوان
۲۴.....	معاشرت با دوستان
۲۷.....	روابط جوانان با والدین
۳۰.....	خویشتن داری جوان

دیدگاه واقع بینانه

بیدار شدن غریزه جنسی در جوان، نباید مورد سوءاستفاده افکار و اندیشه‌های غلط واقع شود و نباید به آن به عنوان یک پدیده زشت و آلوده و انحراف آمیز نگاه شود.

همان‌طور که گفته شد، بروز و ظهور میل جنسی، خود آیت و نشانه‌ای است از طرف خداوند که به منظور بقای نسل، در وجود بشر نهاده شده و دارای هدف و مقصدی عالی و هماهنگ با کل نظام آفرینش است.

آشکار شدن غریزه جنسی در جوان و بالغ شدن وی به معنای این نیست که او از همه جهات - اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی - پا به مرحله بلوغ نهاده

و آمادگی‌های لازم را برای ازدواج و تشکیل خانواده، پیدا کرده است، بلکه او باید مدت زمان دیگری را صبر کند تا از هر جهت، پختگی مناسب را برای تشکیل زندگی مشترک زناشویی به دست آورد.

درواقع ظهور غریزه جنسی، در سنین جوانی، به منزله بشارتی است - در جهت رشد طبیعی فردی جوان - که در آینده‌ای نه‌چندان دور، می‌تواند، همانند هر انسان بزرگ سالی تشکیل خانواده دهد. جوان نباید بیش از این درباره‌ی غریزه جنسی و مسائل زندگی زناشویی، جستجو و کنکاش کند، چراکه پی‌گیری بیش از حد و تخیل و اندیشیدن بیش از اندازه در این باره، موجب انحراف فکری، اختلال روانی و از

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۷

بین رفتن آرامش روحی و عدم توفیق در درس و تحصیل خواهد شد.

جوان باید ارزش فرصت‌های دوران جوانی را بداند و با برنامه‌ریزی دقیق و حساب‌شده، در طول زندگی خود، حداکثر بهره‌برداری را از آن بنماید. دانشمندان بزرگ، بیشترین موفقیت خود را، مرهون بهره‌گیری‌های صحیح از دوران جوانی خود می‌دانند و با مطالعه و کسب تجربه‌های فراوان و اندوختن دانش‌های بی‌شمار - در هنگام میان‌سالی - از آن‌ها نتایج پُر بار علمی گرفته‌اند.^۱

۱. اگر زندگی شخصیت‌های علمی و محققان، نوابغ و دانشمندان مذهبی و متفکران بزرگ را مورد مطالعه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که همه آنان افرادی بوده‌اند که از خوش‌گذرانی‌ها و هوس‌بازی‌ها خود را کنار کشیده‌اند و احتیاج‌های طبیعی و غریزی خود را از طریق

جوان باید هوشیار باشد و در کارها و فعالیت های روزانه به عقل خود، میدان دهد و بر عواطف و احساس ها و غرایز خود تسلط یابد تا بتواند مسائل را درست ارزیابی کند.

مشروع و معقول با صبر و بردباری و در موقع مناسب اعمال کرده اند. محال است کسی ادعا کند که در عین حالی که میل جنسی سراسری وجودش را تحت تسلط خود در آورده، از نظر درسی و مطالعه و تحقیقات علمی لطمه اساسی بر او وارد نشده باشد! چنین ادعایی فریبی بیش نبوده، به خصوص در دوران نوجوانی، تحقیقاً چنین امری از محالات است. انسان های حقیقی و شخصیت های بزرگ و به کمال رسیده، همگی در ردیف کسانی بوده اند که با پاکی و تقوا زیسته و هرگز عظمت روحی و شخصیت معنوی خود را در قربانگاه نفس و شهوت سر نبریده اند.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۹

باید ریشه تمایل‌ها و خواسته‌های خود را بررسی نماید، اگر موافق عقل و قوانین شرع بود آن را دنبال کند، وگرنه از انجام آن کار، صرف‌نظر نماید. در این مرحله از زندگی، باید بیش‌ازپیش باخدای خود انس و اُلفت پیدا کند و درنیایش‌های خود از او یاری بخواهد، زیرا انسان در این دوره بیشتر از هرزمانی در طول دوران زندگانی خود موردتوجه خداوند است.

ابتدای بلوغ، جوان هنوز مرتکب گناه و معصیت نشده، صفحه دلش پاکوبی آرایش است. اگر خطایی مرتکب شود، زود توبه‌اش مورد قبول خداوند، واقع خواهد شد. بیشتر توفیقات دانشمندان و علمای ارزشمند، بر اثر پاک زیستن در دوران جوانی

۱۰ / جوان و دوران بلوغ

است. در این دوران بوده است که رابطه خود را با خالق خویش، مستحکم کرده و به مقام‌های عالی روحی نایل گردیده‌اند.

جنگ ایران و عراق، حوادثی را پیش آورد که عمل‌نشان داد، انسان‌های پاکی که در عنفوان جوانی با عشقی سرشار و قلبی مملو از ایمان به خدا، در فعالیت‌های اجتماعی و مردمی خود بادل‌ی شاد و لیبی خندان و تلاشی خستگی‌ناپذیر در صحنه‌های نبرد حق علیه باطل، چگونه انجام‌وظیفه کرده و به کارهای سازنده‌ای دست زدند و با درایت کامل به سوی کمال نهایی و قرب الهی پیش رفته و ره صدساله را یک‌شبه طی نمودند.

اوقات فراغت

ایام جوانی به سرعت سپری خواهد شد و بار دیگر بازمی‌گردد. جوان باید طوری برنامه زندگی خویش را تنظیم نماید که از اوقات فراغت خود به نفع سازندگی روحی و روانی خویش بهره گیرد و برای ادامه تحصیل و شغل مناسب در آینده، آمادگی لازم را به دست آورد. باید قدر فرصت‌ها و ایام پرارزش جوانی را بداند و آن را بیهوده هدر ندهد.^۱

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «پیش از آن‌که دوره پیری‌ات فرا برسد از جوانی خود استفاده

۱. تا جوانید فکری کنید نگذارید پیر و فرسوده شوید، امام خمینی (رحمه الله)، جهاد اکبر.

کن»^۱ و نیز می‌فرماید: «کسی که وقت خود را با کسالت و بیهودگی صرف کند، به خوشبختی نمی‌رسد.»

جوان باید در زندگی‌اش برنامه و نظم داشته باشد، تا اوقاتش چراگاه و سوسه‌های شیطنی نگردد. او باید از تفریح و ورزش برای سالم سازی بدن در جهت پرورش روح، استفاده کند. زیرا تفریح سالم، انسان را از ملالت کاری‌های یکنواخت زندگی، رهایی می‌بخشد. حضرت علی (علیه‌السلام)

۱. بادر شبابك قبل هرمك...، فهرست موضوعی غررالحکم، ج ۳،

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۱۳

می‌فرمایند: فرح و شادمانی، باعث وجد و نشاط روح می‌شود.^۱

متأسفانه بعضی از جوانان ما نمی‌دانند، چگونه از اوقات فراغت خود بهره‌جویند. گاهی در خلال ایام تعطیلی و فراغت مرتکب گناه می‌شوند و دست‌به‌کارهای نامشروع می‌زنند و در نتیجه، موجبات کسالت و پشیمانی خود و دیگران را فراهم می‌سازند. بنابراین، جوان می‌تواند قسمتی از فرصت‌های خود را پس از مطالعه دروس و ورزش و انجام فعالیت‌های جسمی و هنری با دوستان خوب اختصاص دهد؛

۱. السرور بیسط النفس و یشیر النشاط، فهرست موضوعی

از این رو انجام اعمال زیر را در ایام فراغت پیشنهاد می‌کنیم:

- استفاده از نرمش و حرکت‌های سبک، به‌طور مرتب و روزانه و یا هفته‌ای یک‌بار پرداختن به ورزش‌های سنگین، مانند کوهنوردی، شنا، والیبال، فوتبال، گشتی و... ولی نباید همه اوقات فراغت صرف ورزش شود، بلکه با برنامه‌ریزی از فرصت‌ها استفاده شایسته‌ای به عمل آید.

- هر جوانی باید استعدادهای ذوقی خود را نیز شناسایی کند و با اختصاص دادن وقت مناسبی آن را پرورش دهد؛ مثلاً می‌تواند در زمینه نقاشی، عکاسی، خطاطی، شعر، مکانیکی و الکترونیکی و غیره، پس از خستگی از مطالعه، پاره‌ای از فرصت‌های مرده را که

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۱۵

معمولاً بدون استفاده باقی می‌مانند، به این قبیل امور
تفنی اختصاص دهد تا در این زمینه‌ها تجربه‌ای
کسب کند.

پرداختن به امور ذوقی از این جهت اهمیت دارد
که:

اولاً) بر توانایی انسان می‌افزاید؛

ثانیاً) سبب تلطیف روح می‌شود و زندگی را از
حالت خشک و بی‌روح، خارج ساخته و شخصیت
انسان را به صورت چندبعدی (نه یک‌بعدی) رشد
می‌دهد.

- در مطالعه باید علاوه بر کتب درسی و
کتاب‌های مفید در زمینه‌های اعتقادی، اخلاقی،
تاریخی، سیاسی، به افزایش اطلاعات عمومی و

فراگیری تجوید و قرائت قرآن و زبان‌های خارجی نیز توجه داشت و درزمینه‌های مختلف بر اطلاعات خود افزود تا وسعت دید پیدا نمود.

- پاره‌ای از مهارت‌های فنی و عملی نیز در زندگی موردنیاز است و بهتر است در دوران جوانی با استفاده از اوقات فراغت به فراگیری آن‌ها پرداخت، از قبیل: تعمیر وسایل مکانیکی، برقی و... که ما را برای زندگی آینده آماده می‌سازند.

پس باید همه‌جانبه فکر کرد و همه‌جانبه برنامه‌ریزی کرد و به پرورش استعدادهای فکری، ذوقی، هنری، علمی پرداخت تا دیدی واقع بینانه و شخصیتی جامع به دست آورده و به کمال انسانی نزدیک شد.

نظم در جوان

وجود نظم در زندگی جوان، یکی از مسائل بسیار مهم بوده و موفقیت او در آینده تحصیلی، مرهون رعایت کامل نظم و ترتیب در زندگی اش می باشد.

انسان در سایه نظم بهتر می داند که چگونه زندگی کند، چطور از اوقات فراغت خود به نحو شایسته ای بهره برداری نماید.

منظور از نظم و ترتیب، انجام کارها و اعمال باهدف معین است، که از وحدت و هماهنگی لازم برخوردار باشد، به طوری که با رعایت آن، انسان بتواند در مراجعه و دستیابی به کارها و موضوعات و وسایل و اطلاعات، دچار سردرگمی و اتلاف وقت نگردد.

رعایت مقررات و قوانین جاری زندگی و قرار دادن هر چیزی در جای معین خودش و انجام دادن هر کاری، در وقت و زمان خود، نمونه‌ای از نظم است.

نظم، شامل همه مسائل زندگی، از قبیل: لباس پوشیدن، نظافت کردن، خوردن، خوابیدن، مسواک زدن، معاشرت با دوستان و فامیل و همچنین چیدن وسایل و نوشت افزار و کتاب‌های خود در جای معین، مطالعه کردن، حفظ نمودن اطلاعات، فراگیری معلومات، تفکر کردن و... می‌شود. جوان باید بداند، کی بخوابد، کی بیدار شود و چه وقت، مطالعه کند و چه موقع تفریح و ورزش نماید و چه زمانی کارهای محوله خانه را انجام دهد؛ مکان و زمان هر چیزی را

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۱۹

به موقع تشخیص دهد و برایش برنامه ریزی کند؛ هر چیزی را به جای خود بگذارد تا هنگام مراجعه به آن، دچار سردرگمی و آشفتگی نشود. قوای ذهنی و عقلی جوان در سایه نظم، ترتیب منطقی یافته و سبب موفقیت‌های درس وی در آینده خواهد شد.

از طرفی در سایه نظم، زندگی تحت قاعده درمی آید و فعالیت‌ها و کارها نظام پیدا می‌کند و با راحتی بیشتری انجام می‌پذیرد؛ مشکلات سریع‌تر حل می‌شود و جوان از آشفتگی در کارها و مطالعه مطالب تکراری، به خصوص در کتب درسی رهایی می‌یابد.

هدف عمده نظم در زندگی، بهره‌گیری و صرفه‌جویی در وقت و داشتن ضابطه و معیار صحیحی برای اندوختن اطلاعات در ذهن است. همچنین رعایت نظم و ترتیب در زندگی روزمره از جهت روانی، سبب می‌شود که جوان، حتی هنگام تحصیل و فراگیری دانش، اطلاعات علمی خود را تحت قاعده و نظم فراگیرد و یادگیری، به‌طور منظم صورت پذیرد، به‌طوری‌که مطالب، منسجم و به ترتیب در خزانه حافظه جایگزین شود و هرگاه شخص بخواهد به اطلاعات قبلی خود مراجعه کند و به راحتی به سرعت، اطلاعات و مطالب در ذهنش حاضر شود. این مسأله در آینده جوان، تأثیر بسزایی دارد، به‌خصوص در دوران تحصیل هنگامی‌که

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۲۱

می‌خواهد خود را برای امتحانات و کنکور ورودی دانشگاه آماده سازد. رعایت نظم اصولاً در سلامتی فکر و صحت جسم و اعتدال روح و روان انسان، بسیار مؤثر است.

نظام آفرینش براساس نظم و ترتیب بناشده است و براساس نظم، جریان دارد. رعایت نظم، موجب هماهنگی انسان با طبیعت گردیده و در این راستا انسان از جهت روحی و روانی از سلامت و آرامش خاصی برخوردار خواهد بود.

به سبب رعایت کردن نظم، جوانان افکارشان شکل می‌گیرد و زمینه ابتکارات و خلاقیت‌های هنری، علمی و فرهنگی در آنها فراهم می‌گردد.

بی‌نظمی در جسم و جان، آثار ناگواری به جا می‌گذارد و خارج شدن از قاعده طبیعت، عوارض منفی در رفتار آدمی ایجاد می‌کند.

معمولاً افراد بی‌نظم در زندگی‌شان عصبانی و رفتارشان غیرعادی و نامتعادل است. زیرا خود بی‌نظمی در عکس‌العمل‌های روحی و اخلاقی آنان تأثیر متقابل داشته و سبب تضعیف اراده و زمینه‌ساز عوارض و ناکامی‌های فراوانی در زندگی تحصیلی آنان خواهد شد.

تجربه نشان داده است که بی‌نظمی در فعالیت‌های حرکتی و هوشی و عاطفی نیز تأثیر منفی دارد، به‌خصوص عکس‌العمل‌های آن در دوران بلوغ به‌صورت حادث‌تری ظاهر می‌گردد.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۲۳

از طرفی بی‌نظمی، سبب اتلاف وقت و ضایع شدن عمر و احساس ناراحتی و ایجاد روحیه شک و تردید گردیده و خلاصه آثار نامطلوبی در شخصیت فرد به جا می‌گذارد؛ به همین جهت است که از دیدگاه مولای متقیان علی (علیه‌السلام) آن‌قدر نظم در کارها و امور زندگانی اهمیت دارد که در آخرین لحظه‌های حیات خود - که معمولاً حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین سخن‌ها گفته می‌شود - در قسمتی از سفارشاتشان خطاب به دو فرزند عزیز خویش؛ امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) و همه جوانان آینده می‌فرمایند: سفارش می‌کنم به شما و همه فرزندانم و خانواده‌ام و (همه) کسانی که

سخن من به آنان می‌رسد: به رعایت تقوا و نظم در کارها.^۱

معاشرت با دوستان

معاشرت و هم‌نشینی با دوستان سالم و باایمان، موجب رشد شخصیت اجتماعی و تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جوان می‌گردد. انتخاب دوستانی که از لحاظ درسی و اخلاقی شایسته‌اند، خود می‌تواند بهترین بازوی موفقیت در آینده جوان باشد. با دوستان خوب و مورد اعتماد می‌توان در زمینه‌های درسی و مسائل اجتماعی و فرهنگی به تبادل نظر و همکاری پرداخت. البته نشست دوستانه

۱. قال علی (علیه السلام): اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم امرکم؛ نهج البلاغه.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۲۵

می‌تواند در بالا بردن روحیه اجتماعی و اخلاقی و سطح بینش فکری، به یکدیگر کمک کند، به شرط آن‌که دوستان خوب به مصداق این حدیث شریف که «مؤمن آینه برادر مؤمن است» باشند و در اصلاح و رفع عیوب همدیگر تلاش نمایند. زیرا کوشش صمیمانه برای اصلاح یکدیگر موجبات ارتقای اخلاقی خود و دیگران را فراهم می‌سازد. از طرفی دوستی با افراد پست و فرومایه - که معمولاً آلوده به انحراف‌های اخلاقی هستند - یکی از زمینه‌های مضر و انحرافی جوان است. دوستان منحرف و بی‌بندوبار و لاابالی، سعی دارند که احساس‌ها و تجربه‌های راست یا دروغ خود یا دیگران را درباره مسائل جنسی با حرص و ولع خاصی برای جوانان پاک و

معصوم تعریف کنند و آنان را بدین طریق از راه بدر کنند... .

یک دوست ناباب، سرنوشت انسان را به‌طور کلی از مسیر اصلی خود خارج کرده و او را در ورطه هولناک فساد و گمراهی و انحراف‌های اخلاقی می‌اندازد و موجبات تیره‌روزی وی را فراهم می‌سازد. به همین علت، قرآن کریم از عاقبت حسرت آور کسانی که در دنیا با دوستان منحرف معاشرت داشته و به‌واسطه آنان به گناه و آلودگی کشیده شده‌اند؛ یاد می‌کند و زبان حال چنین افرادی را این‌گونه توصیف می‌نماید: وای بر من! ای کاش فلان شخص را دوست و رفیق خود نگرفته بودم.^۱

۱. یا ویلتی لیتنی لم اتخذ فلاناً خلیلاً؛ سوره فرقان، آیه ۲۸.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۲۷

بنابراین به عنوان یک اصل کلی می توان به این نکته اشاره کرد: «یکی از مهم ترین و حیاتی ترین مسائل جوانان، مسأله دوست یابی و انتخاب دوست خوب و مناسب است. به طوری که اگر در این زمینه دقت و احتیاط لازم به عمل نیاید، بقیه تلاش ها نیز سودی نخواهد داشت.»

روابط جوانان با والدین

شما جوانان عزیز باید به خاطر داشته باشید که والدین شما انسان های معصوم نیستند. بنابراین هم دارای صفات برجسته و نیک و هم دارای نقاط ضعف اند. حال اگر نقاط ضعف آن ها در خصوص کار شما و یا در طرز رفتارشان با شما آشکار شود، بهتر این است که با واقع بینی با آن برخورد کنید و

این نقص را طبیعی بدانید. در ضمن، خصلت‌های برجسته و نیک آنان، محبت پاکوبی آرایش‌شان به شما، به خصوص مواظبتی را که از ابتدای طفولیت تاکنون درباره شما داشته‌اند از نظر دور ندارید؛ آن را به خاطر داشته باشید و همواره از آنان قدردانی نمایید.

به‌رحال در جامعه امکانات زندگی و تحصیل برای همه یکنواخت و یکسان نبوده و بعضی از والدین به این مسائل آگاه نیستند و یا آموزش‌های لازم را در این باره ندیده‌اند و آشنا به مسائل جوانان نمی‌باشند و درباره رفتار و کردار صحیح، آگاهی ندارند.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۲۹

از طرفی باید باکمال میل و رغبت از راهنمایی‌ها و اندرزهای دلسوزانه و مفید آنان که حاصل چندین سال تجربه گذراندن عمر آنان است، بهره‌گیرید و در مواقعی که احیاناً با شما برخوردی تند می‌کنند، چشم‌پوشی نمایید و از خود، خونسردی لازم را نشان دهید؛ اگر هم لغزشی دارند، محترمانه و به‌طور غیرمستقیم به آنان گوشزد نمایید.

هرگز نگذارید که والدین از شما آزرده‌خاطر شوند، چراکه در قرآن مجید، سفارش‌های زیادی درباره پدر و مادر شده است؛ حتی در برخوردها از گفتن کوچک‌ترین سخن نامناسب، چون «أف»^۱ که

۱... فلا تَقُلْ لهما أف و لا تنهرا و قل لهما قولا کریماً؛ سوره

۳۰ / جوان و دوران بلوغ

حاکمی از تنفر و دل‌تنگی از آنان است، به‌شدت نهی گردیده است.

خویش‌داری جوان

ارزش هر انسانی قبل از هر چیز به میزان دل‌بستگی او به آرزوها و اهداف زندگی‌اش مربوط می‌شود. معیار تعادل او بستگی دارد به این‌که حقیقتاً او تا چه اندازه بر اعصاب خود، مسلط بوده و از اعتماد به نفس برخوردار است.

هنگامی جوان می‌تواند خود را صاحب اراده‌ای قوی فرض کند که بتواند در مقابل خواسته‌ها و امیال نفسانی‌اش بایستد و با صبر و بردباری و به‌کارگیری عقل و اندیشه، مشکلات زندگی را یکی پس از

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۳۱

دیگری از سر راه خود بردارد و بر هوا و هوس خود غلبه کند.^۱

۱. اصولاً باید توجه داشت که انسان جز از طریق خویشتن‌داری نمی‌تواند به انسانیت، دست یابد، زیرا نفس و غریزه به‌طور طبیعی به‌طرف لذات و شهوات تمایل دارد و اگر انسان در برابر این کشش‌های غریزی مقاومت نکند، عملاً قدم‌به‌قدم به ورطه حیوانیت و سقوط و تباهی نزدیک‌تر می‌شود. انسانیت از این جا آغاز می‌شود که انسان در برابر کشش‌های نفسانی مقاومت و پایداری کند و تسلیم امیال و شهوات زودگذر خود نگردد تا زمینه برای رشد و پرورش استعداد‌های روحی و ملکوتی در او فراهم شود. بدون چنین خویشتن‌داری راه به روی انسانیت و معنویت، به کلی مسدود است. لذا می‌توان گفت که لازمه هر کمالی در انسان، خویشتن‌داری در برابر امیال و شهوات است. از طرفی تحمل هر ناگواری و محرومیتی همراه با يك گشایش باطنی و راحتی است، چنان‌که قرآن می‌فرماید: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا؛ با هر سختی البته گشایشی و راحتی است»، سوره انشراح، آیه ۶.

او باید بداند که همواره در معرض بزهکاری و لغزش به سوی شهوات قرار دارد و تنها با تقویت ایمان و رعایت تقوا می‌تواند بر اهریمن درون (تمایلات شهوانی و وسوسه‌های شیطانی) و دشمن برون (عوامل منحرف و دوستان ناباب) پیروز شود.

اگر جوانی غفلتاً مرتکب عمل انحرافی و معصیت گردید، باید بلافاصله در پیشگاه خدا توبه کند و تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد تا رفتار ناشایست به شکل یک خصلت زشت و ناروا در وجود او جایگزین نگردد و به صورت عادت ثانوی در نفسش رسوخ نکند.

او باید بداند که توانایی‌های لازم را برای اصلاح رفتار خویش دارد و در ضمن، قدرت پذیرش

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۳۳

او از افراد مسن بیشتر بوده و از تعصّب‌های بیجا به دور است. قرآن کریم پس از بیان خطاهایی که ممکن است انسان، مرتکب آن‌ها بشود، توبه را به‌عنوان راه‌حل اصلی اصلاح رفتارش پیشنهاد می‌کند.^۱

پیامبر بزرگ اسلام می‌فرماید: توبه از گناه و خطابه این معناست که فرد، دیگر قصد نداشته باشد که به‌سوی آن گناه بازگردد.^۲

۱. إلا الذین تابوا من بعد ذلك و أصلحوا فإنّ الله غفورٌ رحيم؛ سوره نور، آیه ۵.

۲. قال (صلی الله علیه وآله): هو ان يتوب الرجل من ذنب و ینوی ان لا یعود الیه ابدًا؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۵۲.

جوان نباید خطای خود را هرچند هم اندک است کوچک بشمارد، تا این که در او ملکه^۱ گناه پیدا نشود.

از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) نقل گردیده که فرمود: محبوب تر از هر چیز، نزد خداوند، توبه جوانی است که از گناه پشیمان شود از پیشگاه او آمرزش بخواهد.^۲ اگر جوان، مطیع خواسته‌ها و

۱. ملکه حالت و صفتی پایدار در فرد است که به صورت عادت در می آید و تغییر آن، بسیار مشکل بوده و در بعضی اوقات، محال است.

۲. ما من شیء احب الی الله تعالی من شاب تائب...؛

میزان الحکمه، ج ۵، ص ۸.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۳۵

شهوت‌های خود گردید، خود را به هلاکت
می‌اندازد.^۱

اصولاً نفس انسان، میل به بدی دارد^۲ و جوان،
تنها با ایمان و توجه به خدا می‌تواند آن را به‌طرف
خوبی‌ها بکشانند.

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «نفس خود
را به‌خوبی‌ها وادار کن، زیرا نفس تو، به‌طرف بدی‌ها

۱. من اطاع نفسه شهواتها فقد اعانها علی هلكتها؛ هر کس نفسش
از شهواتش پیروی بنماید به تحقیق به هلاکت خود کمک کرده است.

۲. ان النفس لا تمارة بالسوء الا ما رحم ربی...؛ به راستی که نفس،
انسان را به سوی بدی امر می‌کند، مگر این که مورد رحمت خداوند

قرار بگیرد، سوره یوسف، آیه ۵۳.

متمایل است». ^۱ آنگاه می‌فرماید کسی که جلو خواسته‌های خود را گرفت به ارزش والای انسانی دست یافت.

جوان با رعایت خویشتن‌داری (تقوا) باید خود را برای زندگی آینده آماده سازد و بداند که این دوران کوتاه به‌زودی سپری خواهد شد و او نیز به گروه بزرگسالان خواهد پیوست و در آینده‌ای نه‌چندان دور عهده‌دار مسئولیت اجتماعی شده و تشکیل خانواده خواهد داد. باید بداند و هوشیار باشد ^۲ که:

۱. قال علی (علیه السلام): اکره نفسک علی الفضائل فان الرذائل انت مطبوع علیها؛ مستدرک الوسائل، ج ۲، به نقل از میزالحکمه، ص ۳۱۰.
۲. المؤمن کیس؛ مؤمن زیرک است.

دوره سیزدهم، شماره سوم / ۳۷

کسانی در پذیرش و انجام مسئولیت اجتماعی و خانوادگی موفق خواهند بود، که دوران بلوغ و جوانی را به پاکی و سلامتی گذرانیده و از آلودگی‌های جنسی در امان بوده باشند... کسانی که بتوانند در فردای زندگی خود، حقوق متقابل فرد و اجتماع، خانواده و همسر را رعایت کرده و به سعادت و نیکبختی دست یابند.

در روز قیامت هیچ بنده‌ای قدم از قدم برنمی‌دارد تا به این دو سؤال پاسخ دهد:

۱. عمرت را در چه کاری فانی نمودی؟

۲. جوانی‌ات را در چه راهی صرف کردی؟^۱

۱... قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لاتزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسئل عن اربع عن عمره فيما افناه و عن شبابه فيما ابلاه...، كتاب خصال صدوق (رحمه الله)، باب الاربعه، ح ۱۲۵.